

اخراج آخرین بازمانده قاجار

۱۰ آبان ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۱۵

اخراج تحقیرآمیز محمدحسن میرزا ولیعهد رژیم قاجار توسط رضاخان در آبان ۱۳۰۴ آخرین پرده از سقوط مرحله به مرحله دودمانی است که ۵/۱ قرن پیش از آن توسط آقامحمدخان قاجار در ایران پایه‌ریزی شده بود.

محمدحسن میرزا در هفتم شهریور ۱۲۸۸ در سن ۹ سالگی و در شرایطی که برادرش احمدشاه هنوز به سن قانونی برای سلطنت نرسیده و کشور توسط «نایب‌السلطنه» اداره می‌شد، به ولیعهدی انتخاب شده بود.

این انتصاب ۴۰ روز پس از خلع محمدعلی شاه و جایگزینی احمد شاه پسر ۱۳ ساله‌اش به سلطنت صورت گرفت. محمدحسن میرزا تا زمان اخراج از ایران به مدت ۱۶ سال ولیعهد بود.

اخراج وی در سن ۲۵ سالگی و در شرایطی به وقوع پیوست که برادرش در سفری بدون بازگشت در اروپا به سر می‌برد و وی قائم‌مقامی شاه جوان را در ایران بر عهده داشت. این زمانی بود که نزدیک به ۴ سال از کودتای رضاخان و ۲ سال از نخست‌وزیری وی می‌گذشت و احمد شاه آخرین پادشاه سلسله قاجار از بیم رضاخان جرأت بازگشت به ایران را نداشت.

قصر محمدحسن میرزا از آذر ۱۳۰۲ که احمد شاه تحت فشار رضاخان تهران را به قصد اروپا ترک کرد، همواره تحت نظر مأموران شهربانی بوده و همه روزه از ورود و خروج کسانی که به آنجا تردد می‌کردند، گزارش‌هایی تهیه می‌شد و از طریق محمدخان درگاهی رئیس شهربانی به اطلاع رضاخان می‌رسید.

از روز هفتم آبان ۱۳۰۴ و در آستانه تشکیل نشست ویژه مجلس برای انقراض قاجاریه نیز بر تعداد پلیس‌های مخفی و حتی نظامیان در اطراف قصر افزوده شده بود. روز نهم آبان پس از تصویب لایحه انقراض سلسله قاجار و به محض آنکه شلیک چندین توپ، خلع این سلسله ۱۵۰ ساله را اعلام کرد رفت و آمد به داخل قصر محمدحسن میرزا ممنوع شد.

دو ساعت بعد عبدالله خان امیرطهماسبی فرماندار نظامی تهران که سابقاً ریاست گارد سلطنتی احمد شاه را بر عهده داشت، به اتفاق سرتیپ مرتضی خان یزدان پناه فرمانده لشکر مرکز و سرتیپ محمدخان درگاهی رئیس امنیه (شهربانی) مأمور تحویل گرفتن قصرهای قاجار و ابلاغ دستور اخراج ولیعهد، بالاترین مقام بازمانده قاجاری در ایران شدند.

آنان وارد قصر محمدحسن میرزا شده، درهای عمارت، انبارهای سلطنتی و سایر اماکن مهم قصر را مهر و موم و اثنایه و اموال داخل آن را تماماً ضبط و توقیف کردند و به ولیعهد اخطار کردند که طبق دستور شاه (رضاخان) هر چه زودتر باید از ایران خارج شود. ولیعهد در پاسخ ابتدا خواستار ملاقات با رضاخان شد که این درخواست، رد شد. سپس گفت مذاکراتم دوستانه خواهد بود.

امیر طهماسبی در پاسخ گفت هیچگونه مذاکره دوستانه‌ای میان ما و شما نبوده و نیست ولی اگر عرایضی داشته باشید به اطلاع شاه خواهد رسید. ولیعهد سپس خشمگینانه گفت پولی برای رفتن به خارج ندارد و مدعی شد که چهل هزار تومان از دولت طلب دارد که اگر آن را دریافت کند، بار سفر خواهد بست. پیام محمدحسن میرزا بلافاصله به اطلاع رضاخان رسید و او درستی این ادعا را تأیید کرد ولی گفت تنها ۵ هزار تومان در اختیار ولیعهد قرار گیرد!

خبر اعطای این ۵ هزار تومان که در ۲۰ کیسه ۲۵۰ تومانی در اختیار ولیعهد قرار گرفت طوری در شهر منتشر شد که گوئی رضاخان از کیسه خود مقدار زیادی پول به ولیعهد بذل و بخشش کرده است. به ولیعهد اخطار شد که تا ساعات شب باید قصر را تخلیه کند و به سوی بغداد به حرکت درآید. یک اتومبیل حامل نظامیان رضاخان در جلو و یک اتومبیل نظامی در عقب، خودروهای حامل ولیعهد و همراهانش را که توسط جاسوسان رضاخان همراهی می‌شد اسکورت می‌کردند.

ولیعهد مجبور به استفاده از لباسهای غیررسمی و شخصی شده بود و از پوشیدن البسه تشریفاتی یا نظامی منع شده بود. این کاروان از تهران به طرف کرج، قزوین، همدان، کرمانشاه، قصرشیرین و از آنجا در معیت مأموران عراقی به طرف بغداد به راه افتاد. وی در بغداد از طرف فرستادگان ملک فیصل پادشاه آن کشور مورد تجلیل قرار گرفت. او چندی بعد رهسپار فرانسه شد و به برادرش پیوست.

پس از مرگ احمد شاه وی خود را پادشاه قانونی ایران خواند (تیر ۱۳۰۹) اما کمی بعد به انگلستان بازگشت و اغلب از یکی از روستاهای اطراف لندن که محل زندگی بود خارج نشد و با عایدی مختصری که به موجب وصیت برادرش به او می‌رسید با عسرت معیشت می‌کرد. در اواخر عمر خود درصدد کسب اجازه برای مراجعت به ایران برآمد ولی توفیق نیافت و در ۱۳۲۱ ش. در لندن درگذشت.

منابع: - دایره‌المعارف فارسی، غلامحسین مصاحب، ج دوم (م تا ی) * - تاریخ بیست ساله ایران، حسین مکی، ج سوم

